

یلدا در فرهنگ های مختلف ایرانی

۲۹ آذر ۱۴۰۲ ساعت ۲۲:۵۷

مادربزرگ دور کرسی جمع مان می کرد و گندم برشته در دست هایمان می ریخت. پشت غول ها را در سیاهی شب بلند یلدا به امید آمدن دوباره خورشید به زمین می زد. مادربزرگ می گفت: آخر داستان، این زمستان است که تمام می شود و سیاهی اش می ماند برای زغال....

شب آخر پاییز یعنی اولین شب شروع زمستان به بهانه دقایقی طولانی تر شدن شب، به شب یلدا معروف است. همین دقایقی طولانی تر شدن این شب باعث شده هر گوشه این سرزمین رنگارنگ مردم با آداب و رسومی کهن دورهم جمع شوند؛ آداب و رسومی که این روزها غبار فراموشی بر آن پاشیده شده و تنها کمی از آن باقی مانده است. آداب و رسوم شب یلدا پیوند عمیقی با فرهنگ اسلامی و ایرانی این سرزمین دارد. چند نمونه از این آداب و رسوم جالب را مرور می کنیم.

خواندن کتاب و قصه گویی

در گذشته نبودن رسانه های تصویری و مکتوب باعث می شد، فرهنگ شفاهی سینه به سینه منتقل گردد، قصه گویی و نقل افسانه ها از این فرهنگ برخاسته اند. با مکتوب شدن داستان ها و ورود اسلام به ایران، مطالعه کتب از جمله قرآن و داستان های کهن ایرانی در شب یلدا نیز مرسوم شد. برای مثال:

در فریدون شهر خور ختم انعام می گیرند و به تلاوت کنندگان هدیه می دهند. شبیه این مراسم در طالقان نیز در خانه بزرگ ده برگزار می شود، مردم در خانه بزرگ ده جمع می شوند، وی قرآن می خواند و برای پرباری محصول دعا می کند.

گلپایگانی ها شاهنامه خوانی را با نام حضرت علی (علیه السلام) شروع می کنند و در تهران قدیم هم رفتن به قهوه خانه و گوش دادن به صدای نقال رواج داشت. در شاهرود هم ۹۰ بیتی ملاقات خضر و امام علی را می خوانند.

در کردستان نیز تا بانگ خروس داستان حسین کرد می گویند و هرکس در حین داستان حرف بزند، جریمه می شود.

مادربزرگ های قزوینی داستان ننه سرما می گویند. اگر ننه سرما گریه کند باران می بارد، اگر پنبه لحاف ها را بیرون بریزد، برف می بارد و اگر گردنبنند مرواریدش پاره شود، تگرگ می بارد.

کرمانی ها هم افسانه قارون می خوانند، پیرمرد هیزم شکنی که شب یلدا به خانه فقرا می رود و به جای هیزم، طلا به آن ها هدیه می کند.

این داستان ها بخشی از اعتقادات مردم را نشان می دهد و مبارزه خیر و شر، پیروزی خوبی بر بدی در تمامی افسانه ها و داستان های ایرانی هویداست.

آواز خوانی

خواندن سرودها و آوازهای محلی متناسب با شب یلدا و زمستان با گویش و لهجه محلی هر استان بخش دیگری از آداب کهن این شب است.

در شرق بابل رج خوانی می کنند، افراد به ترتیبی که نشسته اند باید نوبت به نوبت سرود و آواز بخوانند. در خمین نیز فردی که صدای خوبی دارد نام خوراکی های شب یلدا را می گوید و بقیه هم در جواب باز شب یلدا اومد را تکرار می کنند و در کاشمر رسم کله فریادی اجرا می شود. فردی نی و دیگری درباره زمستان می خواند.

آوازهای محلی به دور از یاس و ناامیدی سرشار از رنگ و شادی برای نشاط بیشتر در این شب ها اجرا می شود.

بازی

بازی برای بالا رفتن همکاری، شادی و همدلی بهترین الگوست. ایرانیان از دیر باز به بازی توجه خاصی نشان می دادند. به طوری که در تمامی جشن ها از جمله یلدا بازی های محلی به صورت گروهی اجرا می شد و کمتر شاهد اجرای بازی های انفرادی هستیم.

در آذربایجان جوراب بازی مرسوم است. این بازی شبیه گل یا پوچ است با این تفاوت که تیم مقابل باید جای سکه را در جوراب حریف تشخیص دهد. نقل معما و مسابقه خواندن دوبیتی آذری هم مرسوم است. همدانی ها هم فنجان بازی می کنند و گل را زیر فنجان مخفی می نمایند.

جوانان خرم آبادی هم بازی خاصی برای شب یلدا دارند که به آن شنه برگی می گویند. شانه ای را وسط می گذارند، دو نفر با یک فاصله مشخص از شانه می نشینند. باید با یک دست شانه به سمت خود بکشند. جریمه بازنده خریدن شب چره (خوراکی های شب یلدا) است.

مازنی ها هم بازی سئوال تکی بازی را در شب یلدا اجرا می کنند. به این صورت که یک نفر روی زمین دراز می کشد و لیوانی روی پیشانی او می گذاشتند، داخل لیوان آب می ریزند. فرد باید طوری بلند شود که آب از لیوان به زمین نریزد. فرد بازنده جریمه می شود.

در کردستان هم بازی محلی رواج دارد. چوبی سی سانتی متری را دو نفر که نشسته اند و پاهایشان را به هم چسبانده اند به سمت خود می کشند، برنده کسی است که دیگری را با فشاری که وارد می کند از زمین بلند کند. به این بازی گورناکشی می گویند.

خوردنی ها

یک سری از تنقلات شب یلدا در تمامی استان ها به صورت مشترک استفاده می شود؛ اما بعضی تنقلات به صورت اختصاصی با توجه به جغرافیای منطقه مورد توجه مردم آن خطه قرار گرفته است. برای مثال همان طور که در شمال ایران ماهی بزرگ از ملزومات سفره یلداست، در آذربایجان هم تزئین هندوانه با شال قرمز اهمیت ویژه ای دارد.

مردم گیلان معتقدند در این شب چله باید ۴۰ نوع خوراکی بخورند. خوراکی های همچون کدو پخته، حلوا، فندق، پسته، نقل، برنج برشته، خورشت تره، نخود برشته، شیرینی، هندوانه، پرتقال، لیمو، گلابی محلی، انار، خربزه و....

در اردبیل نیز جوان ها با حبوبات کوبیده قووت درست می کنند، از آن می خورند و می خوابند و برای تعبیر خواب پیش بزرگ ترها می روند. در خراسان هم به خاطر وجود گیاه چوبک از ریشه این گیاه مایعی درست می کنند که کف می کند و آن را که با شیره انگور و گردو تزئین کرده اند، برای مهمان ها می آورند. جوان ترها برای شادی این کف را به سر و صورت هم می مالند.

در خوی نیز به مهمانان پشمک که شبیه برف است، هدیه می دهند و در شیراز انار پلو می خورند و در مرکزی هم برای غذای شب یلدا گوسفندی را قربانی می کنند و با دل و جگر آن جزلاق (جغول بقول) می پزند. در رودبار الموت پولک ماهی را در ظرفی می ریزند، اگر تعداد پولک های ماهی زوج بود سالی پر از بارندگی و برکت در انتظار است و در طول سال می گویند جفت آوردیم، ان شالله همیشه جفت بیاریم. در تهران قدیم هم مثل الموت و شمال کشور که با هندوانه فال می گیرند، فال گرفتن با خوراکی ها مرسوم بود. گردو را می شکستند، اگر پوک بود آینده بدی را نشان می داد.

مراسم ها و اعتقادات

اعتقادات و باورهای مردم بخش اصلی مراسم ها و سنت ها را تشکیل می دهد، اعتقاداتی که انسان دوستی ایرانیان را نشان می دهد. برای مثال، در یکی از اعتقادات زیبا در کردستان، هر خانواده ای که استطاعت خوبی دارد برای خانواده های فقیر در

همسایه خود شام می برد و برای زنان باردار خربزه ترش (کالک ترش) و تنقلات شب یلدا می برند.

در مازندران هم برای همدلی به خانه کسانی که به تازگی عزیزی را از دست داده اند، می روند و التیام می دهند. در ایلام نیز برای کمک به فقرا جوان ها با چوب دستی به در خانه همسایه ها می روند و از همسایه ها برای فقرا تنقلات می گیرند که به این رسم شلی ملی گویند.

مازنی ها در این شب بره سفیدی را به خانه می آورند برای برکت و در لرستان جوانان بالای پشت بام می روند و شعر می خوانند و از همسایه ها می خواهند درون شالی که همراهشان است، خوراکی بریزند. در کالپوش شاهرود دو رکعت نماز شکر می خوانند و دامغانی ها هم معتقدند این شب، شب خداوند است و به آن شب الله می گویند.

بعضی از این رسم و رسومات جالب در چند استان کشور مشترک است؛ مثل رسمی که در آن خانواده داماد برای نو عروس لباس، هدیه و خوراکی می برند.

پیشینیان این سرزمین برای دور هم بودن و شادی دنبال بهانه بودند و در این شادی ها یاد خداوند، کمک به فقرا، صلح و دوری از گناه را فراموش نمی کردند. حتی در این زندگی شهری یلدا بهانه ای ست برای دورهم بودن به دور از همه تجملات و اسراف ها فقط برای در کنار هم بودن و دیدن بزرگ ترها و توجه به همسایگان و دوستان.

مثل مادر بزرگ ها که با امید به آمدن روشنی تا صبح از پیروزی قهرمانان افسانه هایش بر دیوها و غول ها برای فرزندانشان می گفتند. این روزها هم ما نیاز به داستان های امید بخش مادر بزرگ برای پیروزی بر غول های زمانه مان داریم. نیاز به همدلی، نیاز به کنار هم بودن، نیاز به آرامش و نشاط در زندگی این روزهای ما به شدت احساس می شود و سنت هایی چون یلدا اگر کارکرد اصلی خود را حفظ کند، می تواند بخشی از این نیازهای امروز جامعه ایرانی را تامین کند.

اذان صبح پایان شب یلدای انتظار را نشانه گرفته. یلدایی که با همه سیاهی و طولانی بودنش در مقابل روشنای صبح و تولد دوباره خورشید توان ماندن ندارد...

و چه ضرب المثل زیبایی است: پایان شب سیاه سفید است...

منبع: هفته نامه طراوت استان چهارمحال و بختیاری

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۳۲۲۲۲/یلدا-مختلف-هيا-فرهنگ-یلدا>